



میرحسین موسوی: آیا در سال های فراوانی ارز نفتی، که به صورت غیرعادی ذخایر ما را بالا برد، برای سال های کمبود و قحطی برنامه ای ریخته ایم؟ آیا در سال های فراوانی درآمد ارزی، گوش به نقد کارشناسی داده ایم و آیا به حرف های متخصصان و کارشناسان سیاسی گوش داده ایم که فراز و نشیب های سیاست را به ما یادآوری کرده اند؟

جنبش سبز به روایت میرحسین

تفصیلی راهکارهایش را ارائه می دهد و می گوید مشکلی که بعد از انتخابات ایجاد شد در یک "فرآیندی منصفانه و بیطرفانه" قابل پیشگیری و کنترل بود ولی با "بی تدبیری، یورش تبلیغاتی رسانه های دولتی و حمله نیروهای امنیتی رسمی و غیررسمی به تجمعات آرام و مسالمت آمیز مردم" به انشقاق، ابهام و اختلاف عمیق و گسترده اجتماعی منجر شد.

موسوی پیامد بلافصل وضعیت ایجاد شده را گسسته شدن رشته های اعتماد میان مردم و حکومت می داند که مشروعیت یک نظام سی ساله را هدف قرار داده است.

راه سبز امید

او راه سبز امید را برای رسیدن به سرمنزل مقصود پیشنهاد می کند. راهی که از پیش از انتخابات آغاز کردید و همچنان با عزم های استوار در آن گام می زنید. او از "راه" می گوید نه "مقصود" تا توفیق هایی که در هر مرحله به دست می آوریم پایان کار ندانیم و همواره نگاه به کمالی برتر بدویم.

ادامه دارد

نمی تواند بر سر آن مصالحه و معامله کند. میرحسین دلسوزانه درخواست می کند توقف برخوردهای امنیتی، فوق امنیتی و نظامی با مسائل انتخاباتی و بازگشت کشور به فضای طبیعی سیاسی، اصلاح قانون انتخابات، رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات، آزادی مطبوعات و رفع توقیف از آنها... او بر این باور است که "اصل نظام جمهوری اسلامی" مورد حمله بداندیشان قرار گرفته است.

دادگاه های فرمایشی؛ یادگار قرون وسطی

وقتی حکومت از لشکرکشی خیابانی فارغ شد برای تکمیل سناریو خود با دادگاه های فرمایشی سعی کرد حداقل طرفداران خود را راضی کند که این همه سخت گیری و خشونت به چه منظوری انجام شده است.

میرحسین برپایی این دادگاه ها را چیزی جز سقوط اخلاقی و بی اعتباری صحنه گردانان نمی داند.

سه ماه بعد از انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری، موسوی در بیانیه

خود را از دست داده است نباشد. موسوی به مردم یادآوری می کند که در چنین عرصه و زمانه ای مسئولیت تاریخی ماست که به اعتراض خود ادامه دهیم. مسئولیت انقلابی ماست که اجازه ندهیم حاصل خون صدها هزار شهید به یک دولت امنیتی تنزل پیدا کند و مستهلک شود.

آنان که فرمان تیر می دهند و موسوی را متهم می کنند در برپایی آشوب و شریک جرم مرگ جوانانی که بیگناه به جرم حق خواهی به شهادت رسیدند، یادشان می رود اعتراضی که موسوی در پی آن بود آنقدر آرام و اصلاح طلبانه بود که حتی خردسالان و زنان باردار هم در آن نقش داشتند. در اعتراض و حرکت اصلاحی و اصولی ما هیچکس نباید صدمه ببیند.

مطالبه ملی؛ انتخابات بدون تزویر

موسوی صادقانه با مردم در میان می گذارد همه رایی ها که شد. افراد و گروه هایی که رفتند و از او خواستند که "گذشت" کند. از نظر او حق و رای مردم اصل نظام و انقلاب است و کسی

در روزنامه کلمه چهارشنبه ۲۴ خرداد به مرور جنبش سبز به روایت بیانیه های میرحسین موسوی پرداختیم که اکنون قسمت دوم آن مطلب را در ادامه می خوانیم:

موسوی به مردم یادآوری می کند مردم ما می توانستند با بد بینی و ناامیدی حوادثی شبیه به آنچه را که در جریان انتخابات گذشته با آن روبرو شدیم پیشبینی کنند و به صحنه نایند. او این به صحنه آمدن مردم به رغم همه سختی ها و سرکوبی را ناشی از همان "امیدی" می داند که "هسته درونی هویت ملی" ما را شکل داده است. به جوانان توصیه می کند اگر میخواهید ایرانی باقی بمانید از شعله امید در سینه های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست.

او می خواهد که دستانمان را به سوی یکدیگر دراز کنیم و خانه هایمان را قبله قرار دهیم. واجعلوا بیوتکم قبله. این بار هر شهروند محوری باشد برای یک فعالیت مفید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منتظر تشویق و کمک دولتی که وجاهت

استقامت مدنی برای مهار استبداد

سازمانده
مهار استبداد از وظایف یکایک ماست. در این مسیر وظیفه اخلاقی و شرعی کوشش در دو زمینه است. یکی شکار ساختن و حذف و مهار قانونی و اخلاقی فساد نهادهای، دروغ و ریا و تزویر و تملق نهادهای، خشونت نهادهای، ظاهرگرایی و مادیگرایی نهادهای، و تزویر و دینفروشی نهادهای. دیگری دست کم برای تن ندادن و تسلیم نشدن به همه این آلودگیها و بخشی از چرخه بازتولید آنها نشدن و آنها را توجیه نکردن. این توصیف میرحسین در بیانیه نهم بسیار راهگشا است:

«در ابتدا هدف همه ما از شرکت در انتخابات آن بود که عقلانیت دینی به فضای مدیریت کشور بازگردد، لیکن در میانه مسیر به اهدافی بسیار بلندتر هدایت شدیم. امروز خواست عمومی برای سازوکاری کارآمد جهت انتخابات که در آن اطمینان ملی حاصل شود و دروغ، تقلب و تزویر جایی نداشته باشد، به یک مطالبه انکارناپذیر مردمی تبدیل شده است. در هر قدمی در آینده تجربه تلخ و مشروعیت زدای جریانات اخیر باید پیشروی ملت باشد و نباید هیچ فرصتی برای روشنتر شدن ابعاد این دروغ و تقلب بزرگ و پیامدهای تلخ آن از دست برود.»

همراهان جنبش سبز به عنوان جنبشی ضد تقلب و تغلب، نمیتوانند با کسانی که بنیان سیاست شان فریب و دروغ است همراه شوند و در دامشان گرفتار آیند و بازی آنها را گرم کنند. به قول میرحسین «اگر معلوم بود کدام گروه راستگو هستند که شب فتنه به پایان میرسید. در عین حال این قدر معلوم است که راستگویان دروغ نمی گویند. کسانی که در مبارزه سیاسی اصلی ترین شیوه شان دروغ گفتن است حتما راستگو نیستند؛ ای جماعت مومنان! تقوا کنید و از دروغگوییان پرهیز کنید. روزگار شبهه و تاریکی هم مرتفع خواهد شد. حتی در تاریکترین شب فتنه، دروغ بین و آشکار و افرا و تهمت و بهتان را نمیتوان به جای حق گرفت.»

همراهان جنبش سبز هر یک میتوانند و مختارند در هر مقطعی از پویشهای جنبش سبز، راههای متنوعی بیازمایند. جنبش از این تنوع و تکثر آزمونها و خطاها نه تنها متضرر نخواهد شد، بلکه از آنها خواهد آموخت و مانند میرحسین موسوی خواهند دید که:

«پروزی ما آن چیزی نیست که در آن کسی شکست بخورد. همه باید با هم کامیاب شویم، اگر چه برخی مژده این کامیابی را دیرتر درک کنند.»

بندیان آزاده ما، خصوصاً میرحسین، کروی و زهرا رهنورد ضمیر گویای یک ملت اند و نماد استقامت ایشان در مسیر حق و عدل. ما امروز هم اگر بخواهیم فهم و تعبیر بصیرانه، عمیق و آینده نگرا نه از تجربه جنبش اخیرمان علیه استبداد بدسیم، بازگویتارین تعبیر را در میان بیانیه های ایشان می یابیم. تا آن هنگام که ایشان دربنند مردم ما حجت موجهی دارند که خوی استبدادی حاکمان کنونی تغییری نکرده است. مردم می بینند راهشان جز از مسیر پایمردی بر حق و استقامت در مسیر سیاسی اخلاقی نخواهد گذشت، همان راهی که رهبران دربند و دیگر اسیران بی بصیرتی مستبدان رفته اند و بر آن استوار ایستاده اند. چگونه ممکن است حاکمیتی نظامی-امنیتی که خود را مساوی نظام می شمارد ضمیر ملتی را گروگان بگیرد و باز مردم را به مشارکت سیاسی فرابخواند؟ سنگینی این پرسش بر دوش نظامی سیاسی که از مسیر اخلاق و دین و قانون و ادب و مروت خارج شده است بسیار بیشتر است از سنگینی فشارهای بین المللی و تهدید و تحریم، چرا که اولی بنیان مشروعیت چنین نظامی را به چالش می کشد ولی دومی گذران امور را بر مردم دشوار میکند. و توجه به این سخن میر حسین که: «دادار از وفا به وعدهای که داده است عاجز نمی شود و راههایی پیش پای کسانی که برای او میکوشند میگشاید؛ راههایی امن، راههایی هموار، راههایی مستقیم که بدون تردید ما را به مقصد می رسانند. چرا به خداوند توکل نکنیم حال آن که راههایمان را به ما نشان داده است؟ و ما لئنا ان لا نلوا کل علی الله و قد هدانا سُبُلنا»



محمد نوریزاد، جهادگر و مستندساز منتقد توسط عده ای بازداشت و پس از ساعت ها نگهداری در یک انفرادی در محلی نامعلوم ساعت یازده و نیم شب در یکی از خیابان های تهران رها شد.

با شهیدای سبز

قانونی توسط خانواده اش شناسایی شد. آسا در اثر اصابت دو گلوله توسط لباس شخصی ها کشته شد. طبق اظهارات شاهدان عینی کبانوش تنها بر اثر اصابت یک گلوله به پهلویش زخمی شده بوده ولی هنگام تحویل جسد یک گلوله نیز به گردن وی اصابت کرده بود.

محمد نوریزاد، جهادگر و مستندساز منتقد توسط عده ای بازداشت و پس از ساعت ها نگهداری در یک انفرادی در محلی نامعلوم ساعت یازده و نیم شب در یکی از خیابان های تهران رها شد.

کیانوش آسا

۲۵ ساله، متولد کرمانشاه، وی دانشجوی ترم چهارم کارشناسی ارشد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه علم و صنعت ایران بود. جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در میدان آزادی تهران ناپدید شد و روز ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ در سردخانه پزشکی

جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه های تهران ضمن روزه داری در حمایت از روزه سیاسی مهدی محمودیان، زندانی سیاسی، مراسم افطاری برگزار کرده و خواستار پایان حصر رهبران جنبش سبز و آزادی زندانیان سیاسی شدند.